

ویکیلیکس : قاسملو ، صدام ، طالبانی ، رجوی و ئه‌مریکا
Ghassemlo

بم‌لگه‌یه‌کی بلاو کراوه‌ی ویکیلیکس ریکه‌وتی یه‌کی سنیتامبری ۲۰۱۱ ،
راپورتی بالوئزخانه‌ی ئه‌مریکا له به‌غدا ، راپورتی ژماره ۸۵۵۸۸ به‌غدا
ریکه‌وتی راپورته‌که : ۱۶ فوریه ۱۹۸۸

سه‌ردنیری بابه‌تی راپورته‌که : بیروبو‌چوونی قاسملو کوردیکی ئیرانی
۱- نه‌ئینی : ته‌واوی ده‌قی بابه‌ته‌که

ده‌قی بابه‌ته‌که له لایهن " ویکیلیکس " هوه به‌زمانی ئینگلیزی بلاو کراوته‌وه . خاتو مریم سیف کردویه به فارسیی

ویکیلیکس : قاسملو، صدام، طالبانی، رجوی، و آمریکا

Ghassemlo

سند منتشر شده توسط ویکیلیکس بتاريخ یک سپتامبر ۲۰۱۱ ،

گزارش از سفارت آمریکا در بغداد، گزارش شماره BAGHDAD ۸۵۵۸۸

تاریخ گزارش : ۱۶ فوریه ۱۹۸۸

عنوان گزارش: نظرات قاسملو یک کرد ایرانی

۱ - محرمانه : تمامی متن

۲ - خلاصه: قاسملو رهبر کردهای ایرانی، در حال پائین آمدن از کوه‌ها به‌نگام یکی از سفرهای گاه و بیگاهش به بغداد در تاریخ ۱۰ فوریه با صدام ملاقات کرد. قاسملو قبول کرد که بمباران وسیع در ستاد پیشینش (پایین رودخانه منتهی به شهر موات که صف آرای شده بود) منجر به این شد که مجبور شود ستاد فرماندهی خود را ۳۵ کیلومتر به طرف شمال تغییر دهد. او ادعا کرد که ۱۰ تا ۱۲ هزار جنگنده فعال در اختیار دارد و قادر است افراد بیشتری هم بخدمت خود در آورد. علاوه بر این هم تسلیحات زیادی در اختیار دارد (تسلیماتی که از ایرانیان به غنیمت گرفته شده است) و هم پول که از طریق قاچاق بدست آمده است. او از آمریکا تقاضای حمایت‌های سیاسی و معنوی کرد. با توجه به اینکه حزب خودش همیشه با جریان گروگانگیری مخالفت شدید داشته، سفیر ایتالیا از طرف گروگان گرفته شدگان توسط طالبانی از او طلب کمک کرده و او امیدوار است که در این جهت [آزادی گروگانها] بتواند موثر واقع شود.

۳ - قاسملو مردی است که روابط خوبی با طالبانی دارد. هر چند مشی قاسملو در حفظ بیطرفی بین طالبانی و عراقی‌ها منجر به بروز تنش میشود. قاسملو متوجه بود که نیازی برای ائتلاف بین گروه‌های مخالف ایرانی وجود دارد. ولی رجوی، که قاسملو او را فردی غیر حرفه‌ای میدانست، تمایلی به این موضوع نداشت. عملیات نظامی محدود رجوی در شمال، روابط قاسملو و طالبانی را پیچیده کرد و حالا رجوی در پی آن است که فعالیت‌هایش را در جنوب متمرکز کند. قاسملو بر خلاف رجوی، از اینکه با صدام عکس داشته باشد پرهیز می‌کرد. قاسملو توضیح داد که در سه ماه اخیر وضعیت کردستان ایران از ثبات برخوردار بوده در حالیکه وضع کردستان عراق در سه سال اخیر «شدیدا وخیم» است (از دید دولت مرکزی در عراق). برنامه ویران‌سازی روستاهای کردستان توسط عراق هنوز در ایران در مقیاس بزرگ اعمال نشده است.

۴ - بعد از پایان کنگره حزب دمکرات کردستان در سال ۱۹۸۸، قاسملو دبیر کل حزب در تاریخ ۱۰ فوریه از کوه‌ها پایین آمد تا با صدام ملاقات کند. بخاطر تعداد زیاد کردها در سوئد و فرانسه بطور طبیعی هنگام سفر به بغداد با سفرای سوئد و فرانسه نیز

تماس می گیرد. رئیس گروه (منظور رئیس گروه اطلاعاتی آمریکا در بغداد است. مترجم) نزد سفیر سوئد تومن وساطت کرد تا وی با قاسملو ملاقات کند و بدین منظور در تاریخ ۱۲ فوریه برای صرف ناهار که مدت ۶ ساعت به طول انجامید، دعوت شد. قاسملو فردی بسیار روشنفکر جا افتاده و در عین حال سخنور بنظر می رسید. حتی در انگلیسی که زبان ششم او (بعد از کردی، فارسی، عربی، فرانسوی و چکی) محسوس بود از قدرت بیان خوبی برخوردار است. در این ملاقات نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران در کشورهای پاریس، بغداد و استهکلم او را همراهی میکردند (عبدالله قادری، ابراهیم جورابکا و سلام عزیزی).

۵ - درخواست برای کمکهای معنوی: قاسملو از آمریکاییها قویا تقاضای حمایتهای سیاسی و معنوی کرد. با توجه به اینکه حزب دمکرات کردستان ایران همواره شدیداً مخالف تروریسم و گروهانگیری بوده است به رئیس گروه سندی ارائه داد که اخیراً این سند از طریق نماینده وی در گردهمایی در مورد تروریسم ارائه شده بود که در آن گردهمایی استفاده از تروریسم بعنوان ابزاری برای رسیدن به هدف توسط گروههای انقلابی آزادیبخش مخالفت شده بود. قاسملو عمیقاً متأثر از این است که رئیس جمهور آمریکا مشتت از بنیادگرایان عقب افتاده افغانی را ملاقات کرده است و اصرار به بزرگ نمودن گروههای نیکاراگونه که هیچ شانس ندارند می نماید، در صورتی که هیچ توجهی به گروههایی که برای ارزشهای جهانی حقوق بشری می جنگند، ندارد.

۶ - رئیس گروه متوجه شد با این که مردم در آمریکا اطلاع زیادی از وضعیت کردستان ندارند اما نسبت به کردها دل نگرانی دارند و شاید به نفع قاسملو باشد که با ایجاد ارتباط با خبرنگاران رسانه ها از این وضعیت بهره برداری کند. قاسملو گفت از جمله اقداماتی که دفعه آخر هنگام اقامتش در بغداد کرده این بوده که برای گرفتن ویزای آمریکا برای جفین رندل (پاریس) کمک کرده است. قاسملو به وی، خبرنگار واشنگتن پست که مشغول نوشتن کتابی راجع به کردها میباشد، ۱۴ ساعت وقت مصاحبه داد. قاسملو از اینکه «شورویها پیوسته فکر می کنند که حزب دمکرات کردستان ایران به آمریکایی ها نزدیک است و آمریکاییها فکر میکنند که به روسها نزدیک هستند» شکوه میکرد، وی ادعا میکرد «کردها هیچ دوستی به غیر از کوهستانها ندارند.»

۷ - گروهانهای ایتالیایی: قاسملو تایید کرد که با سفیر ایتالیا، تسکانو دیدار کرده و قول داده است که برای آزادی ۳ گروهان ایتالیایی که توسط اتحادیه میهنی طالبانی ربوده شدند کمک کند. وی اظهار داشت که هر بار که در این موارد وساطت کرده است موفق بوده و وساطتت مورد قبول واقع خواهد شد. وی این طور وانمود میکرد که این اولین بار است که در مورد آزادی ۳ گروهان ایتالیایی اقدام کرده است و تا بحال از وی خواسته نشده بود که اقدامی انجام دهد. قاسملو از اینکه گروههای دیگری که برای رسیدن به اهداف خود به تروریسم متوسل میشوند بیشتر از حزب دمکرات کردستان ایران که «سازمان مستجم تر و گسترده تری از دیگر گروههاست» مورد توجه واقع میشوند شکایت کرد.

۸ - پایه های قدرت حزب دمکرات کردستان ایران: قاسملو ادعا میکرد بین ۱۰-۱۲۰۰۰ رزمنده مسلح تحت فرماندهی دارد و وی به دلایل مسایل لجیستیکی توان تجهیز کردن افراد بیشتر از این را ندارد. وی مدعی است در هیچ مسابقه ای برای نفوذ بیشتر بین کردهای ایران شرکت ندارد (چون ۸۰٪ از کردهای ایران را جانبدار خود میدانند) او به وضعیت عراق پوزخند میزد و میگفت: «در ایران وضعیت مشابهی مانند عراق (کسی مثل طه معروف) معاون رییس جمهور عراق (و یا شرکت وزرای کرد در کابینه) و یا کردهای جاش نداریم.

۹ - قاسملو تاکید می کرد که وی خواستار پول یا اسلحه نیست بلکه در «پی حمایت سیاسی و معنوی» است. وی اظهار میداشت که گرچه همیشه آدمی بیشتر از آنچه را که دارد میخواهد اما آنها به اندازه کافی پول و اسلحه دارند. وی مدعی بود که حزب دمکرات کردستان ایران در طی سالها به اندازه کافی از ارتش و پاسداران (ایران) اسلحه به غنیمت گرفته است. وی از افشا منابع مالی خود ابا داشت و مدعی بود که هر خانواده کرد به آنها کمکهای داوطلبانه ای مینماید. اما در طی گفتگو معلوم شد که حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان مخارج عمده خود را از راه قاچاق به دست می آورند. قاسملو اظهار داشت که وی تنها ۳٪ از بهای کالاهایی که بین ایران و عراق (از راه قاچاق) مبادله می شود را دریافت می دارد در حالی که به گفته وی گروه طالبانی ۲۰٪ از کل بها را دریافت می نماید. از جمله کالاهایی که از عراق به ایران قاچاق می شوند می توان ویسکی و ویدئو را مثال زد، و از جمله کالاهایی که از ایران به عراق قاچاق می شوند می توان فرش و پسته را ذکر نمود. سابقاً چایی از عراق و شکر از ایران مبادله می شد اما اکنون هم چایی و هم شکر از عراق به ایران وارد می شود. قاسملو می گفت که اخیراً از طالبانی پرسیده که اگر دستش از منابع مالی که دارد بریده شود تا چه زمان می تواند دوام بیاورد، طالبانی در پاسخ گفته است که تا ۲ ماه، در حالی که قاسملو مدعی بود که خود وی تا ۲ سال میتواند دوام بیاورد.

۱۰ - قاسملو وضعیت کردستان ایران را ثابت توصیف می کرد. به گفته وی وضعیت امروز کردستان مثابه وضعیت سال ۱۹۸۰ میلادی است، سالی که حزب دمکرات کردستان کنترل شهرهای کردستان را از دست داد و روی به تاکتیکهای چریکی آورد. به گفته وی دولت ایران کنترل شهرها را در دست دارد، اما تسلط آنها به جاده های اصلی محدود به ساعات ۵ صبح تا ۸ شب می باشد و در طی شب سازمان دمکرات کردستان کنترل (راه ها) را در دست دارد. از آنجایی که قاسملو مطمئن از حمایتی تزلزل ناپذیر از خود در کردستان است، آینده خوش بینانه ای را پیش گویی می کرد. او می گفت که آماده است در کوهستانها تا ۲۵ سال دیگر دوام بیاورد، وی هم چنین اظهار می داشت که اگر خمینی به زودی از دنیا برود در ایران به ویژه در تهران امکان وقوع آشوب می رود در عین اینکه وضعیت اقتصادی نیز متزلزل است. وقتی که از قاسملو سوال شد که آیا وی به مناطق بیشتری مسلط و یا طالبانی و بارزانی، وی پاسخ داد که تا ۳ سال پیش وی به مناطق بیشتری مسلط بود اما اکنون اکراد عراق مناطق بیشتری در تسلط دارند. البته نه به دلیل آن که وضعیت وی بدتر شده است بلکه از آنجایی که کنترل رژیم بغداد در سال اخیر در مناطق

کرد نشین بیشتر از پیش متزلزل شده است. چنین بنظر میرسد که اگراد عراق در این مورد از وی بیشی گرفته اند. وی مدعی بود که نقش کلیدی در مذاکرات طالبانی بین صدام حسین و طالبانی که اکنون متوقف شده است را داشته است.

۱۱- مجبور به انتقال ستاد: قاسملو پذیرفت که اخیرا بعثت بمباران شدید توپخانه ایران او مجبور به انتقال ستاد خود شده است. او به نقشه ای متاسفانه نه چندان دقیق اشاره کرد و که در آن به نظر می رسد که محل سابق ستادش در نزدیکی قسمتهای پایینی جانی که رودخانه ZAB که به عراق جریان دارد می بوده است. در آنجا بیمارستان بزرگی در اختیار داشت که پزشکان فرانسوی هر ماه به آن رفت و آمد داشتند، و اغلب حزب دمکرات کردستان در شرایط غیر عادی قرار میگرفت زیرا این بیمارستان در عین حال پذیرای مجروحان هر دو طرف، طالبانی و ارتش عراق میشد. آن محل دیگر قابل دفاع نبود زیرا ارتش ایران در شرق بود، ارتش عراق در غرب، و نیروهای طالبانی در پشت ارتش عراق بیشتر در غرب و «هر کسی روی هر کسی بمب میریخت». در حال حاضر او حدودا به یک نقطه در سی و پنج کیلومتری به سمت شمال، بر روی مرز ایران نقل مکان کرده است. طوری که قاسملو بیشتر وقت خود را در خاک ایران (او ادعا می کند) صرف میکند. مکانی که در آن ارتش عراق در غرب بسیار دورتر است. بنابراین به نظر می رسد که مقرش اکنون در زمینی بلامدعی است در آن حزب دمکرات کردستان تحرک تمام دارد. او می گوید که بیمارستان را آنجا درست کرده است. و پزشکان فرانسه همچنان می آیند.

۱۲- در مورد جنگ در موات، کنار رودخانه گوگاسور در سمت جنوب جای مقر سابقش، قاسملو گفت که هدف ایرانی ها باز کردن گذر شرق - غرب برای طالبانی است. قاسملو مدعی است که مقر طالبانی در جنوب غربی موات است (جایی حدودا در دره رودخانه شیلر که در جنوب موات با رودخانه گوگاسور تلاقی دارد) تقریبا در ۳۵۴۷ شرق و ۴۵۴۰ شمالی. ایرانی ها بلندی مشرف بر موات از شرق را کنترل میکنند، عراقی ها تپه های جنوب غربی موات را کنترل میکنند و جنگهای زیادی آنجا و در کوه غربی موات که ایرانی ها نسبتا آنرا کنترل میکنند، وجود دارد. همان صبح قاسملو تلفنی از مقرش دریافت کرده بود که عراقی ها حمله جدیدی به مواضع ایرانی ها در غرب موات انجام داده بودند. قاسملو اضافه کرد که خود موات مثل پنجوبین به طور کامل ول شده است.

۱۳- روابط با طالبانی: قاسملو مدعی شد که «دوستی بسیار» نزدیکی با طالبانی دارد. اخیرا از طالبانی خواسته بود که برای او خاویار دریای خزر را از ایران بیاورد. و وقتی طالبانی خاویار را آورد با شوخی گفت که برای آوردن خاویار برای او و بنابراین بیش از حد مجاز، مجبور شده است که از طریق «روابط ویژه خویش» اقدام کند و اگر مقامات ایرانی می فهمیدند که خاویار برای کیست «سکته می کردند». قاسملو قبول کرد که برخی اوقات مسائل ظریفی نیز پیش می آید. مثلا اخیرا ۵۲ سرباز عراقی شامل ۶ افسر به حزب دمکرات کردستان ایران پناهنده شده بودند و طالبانی درخواست تحویل آنها را کرده بود. نزاع تا دو هفته طول کشید اما قاسملو مصر بود که حزب دمکرات بایستی مطلقا در تمام امور بین عراقی ها و کردها باید بیطرف بماند. و بالاخره سربازان و افسران را به ارتش عراق تحویل داد. قاسملو در عین باز بودن بنحو بارز لغات خود را با دقت انتخاب می کرد. او مایل نبود که در مورد روابطش با مسعود بارزانی سخن بمیان آید. معذالک این فکر را که حزب دمکرات بارزانی یک حزب واقعی است را بمسخره گرفت و گفت «اینها تنها یک قبیله هستند.»

۱۴- صدام همه کاره: قاسملو مایل نبود که در باره ملاقاتش با صدام و حتی اینکه ملاقاتی بوقوع پیوسته است صحبت کند (هر چند که بطور خصوصی در ملاقات با سفیر سوئد صریح تر بود). هر چند که به مثل فارسی که «اگر میتوانی خدا را ملاقات کنی دیگر لازم نیست که با یکی از ۱۲ امام کار داشته باشی» اشاره کرد. قاسملو گفت که برخلاف رهبر مجاهدین خلق رجوی، او مطلقا میل نداشت که با صدام در عکسی بیافتد، و یا در مورد مسافرتش به بغداد اطلاع رسانی شود و یا حتی کمتر، از اینکه با صدام ملاقات کرده باشد، در ایران انعکاس خوبی ندارد». رئیس گروه، روی او فشار آورد که چه کسی در عراق مسئول مسائل مربوط به کردها است. قاسملو گفت «صدام مسئول است او مسئول همه چیز است». این بکنار، با اینهمه ادامه داد که در موضوعات روزانه «سه فرد مهم در عراق هستند صدام، عدنان (خیرالله وزیر دفاع و پسر عموی اول و شوهر خواهر صدام)، که مسئول جنوب است و علی حسن (المجید پسر عموی پدری و شبیه ساوا) که مسئول شمال است. با وجود این قاسملو اشاره کرد که علی حسن را که مقرش در کیرکوک بود را زیاد ندیده است. ظاهرا بخاطر اینکه که قاسملو به کمتر از «ملاقات با خدا» راضی نبود.

۱۵- تخریب دهکده ها: رئیس گروه، از قاسملو در مورد واکنش او به کمپین عراق برای ویران کردن دهکده های کرد سوال کرد. قاسملو معترف شد «اکثر» دهکده ها ویران شده بودند. ولی در اینمورد بنظر بدون احساس می رسید. رئیس گروه سوال کرد که آیا این کمپین تاثیری در افزایش تعداد چریکها و پناهندگان داشته است؟ قاسملو جواب داد که تعداد چریکها را بسیار افزایش داده است. ولی نه او و نه طالبانی بخاطر سختی فراوان خوراک دادن و رسیدگی به افراد، مشوق پناهندگی به سرزمینهای دیگر نبودند. او قبول کرد که تاثیر نهایی کمپین ویرانی دهات کرد، ویرانی نسبتا کامل زندگی سنتی کشاورزی کردهای عراق بوده است. مردهای کرد در عراق تنها دو انتخاب دارند یا به شهر بروند و یا در مراکز تازه تاسیس که تنها امکان غذایی کمی دارند، بمانند. قاسملو گفت که ایرانی ها تاکنون فقط ۲۵ دهکده از ۷۰۰۰ دهکده کردستان را خراب کرده اند و جمعیت کردان ایران ۷ میلیون نفر است و ادامه داد که افسوس که هر طرف از عاداتی بد طرف دیگر یاد میگیرد. یک عادت بدی که او مدعی شد ایرانیان دارند استفاده از اسلحه های شیمیایی است «هر دو طرف اینکار را میکنند با وجودیکه عراقی ها بسیار بیشتر». رئیس گروه از قاسملو پرسید آیا با وجود طبیعت سرسبز اکثر کردستان هلیکوپترها و حملات هوایی مسئله جدی ای برای

پیشمرگان ایجاد میکنند. قاسملو پاسخ داد «نه ما و نه کردهای عراق در مورد هلیکوپترها نگرانی نداریم، ما میتوانیم حسابشون را برسیم. اما توپخانه است که مسئله جدی ایجاد میکند و حملات شیمیایی نیز مسئله جدی است.

۱۶ - دید یک کرد از عراق: قاسملو ملایتمش را از دست نداد که از عراق انتقاد کند. ولی جلوی خودش را نیز از نکته پرانی هایی نمی توانست بگیرد که نسبت به عربها و رژیم عراق حالت تحقیر دارد. مشخصا گفت که بسیار از بغداد بدش می آید و از آمدن به بغداد مگر اینکه مطلقا لازم باشد اجتناب می کرده است. او مجبور به قبول کردن این نکته شد که جامعه ایران جامعه ای سیال تر و دینامیک تر است. او آرزومندانه گفت که «بله در ارومیه مردم هر زمان که دلشان بخواهد میتوانند به آمریکا زنگ بزنند و مسافرت نیز آزاد است.» ولی بلافاصله تاکید کرد که در عراق کمتر در اخلاقیات خصوصی مردم دخالت میشود و عراق برای ایده های مدرن تر بازتر است. او از شاه نفرت داشت «ولی خمینی خیلی بدتر است». او خمینی را دو بار در سال ۱۹۷۹ دیده بود و «بطور شرم آوری به او دروغ گفته شده بود». قاسملو خطابه ای در مورد روش «تقیه» (کلک زدن برای هدفی بالاتر) در شیعه داد که یک قسمت حکاکی شده شخصیت شیعه است. رئیس گروه متذکر شد که خود ما نیز در اینمورد چند درس یاد گرفته بودیم.

۱۷ - رجوی: قاسملو پذیرفت که حزب دمکرات کردستان محتاج اتحاد با دیگر گروههای ایرانی است. زیرا بدیهی است که به تنهایی نمی تواند رژیم را واژگون کند. او قبول کرد که رژیم پایگاه حمایتی وسیع دارد («صدها هزار ملا که معاش خود را در خطر میبینند») و سرنگونی اش امر آسانی نیست. رئیس گروه در مورد امکان یک اتحاد با رجوی، که در هر حال حاضر که گزارش شده بود در حال انجام عملیات نظامی در شمال بود پرسید. قاسملو رجوی را بی اعتبار خواند و بعنوان آماتوری که «حداکثر» ۱۲۰۰ جنگجو ولی یک دستگاه خوب تبلیغاتی دارد، دانست. قاسملو قبول کرد که رجوی «اقدام به چند عملیات در شمال کرده است ولی برخلاف حزب دمکرات کردستان ایران، مجاهدین خلق هیچ توانایی واقعی در میدان عمل در ایران ندارند». قاسملو مدعی شد که «در واقع از میان تمامی گروههای اپوزیسیون فقط حزب من است که توانایی قابل توجه در داخل ایران دارد». قاسملو گفت که عملیات اخیر رجوی در شمال برای حزب دمکرات کردستان ایران مسائلی ایجاد کرده اند. زیرا که در مناسباتی با نیروهای طالبانی درگیر شده بودند. قاسملو گفت که از این به بعد رجوی در شمال عملیات نخواهد کرد ولی بجایش در جنوب انجام خواهند داد. او قبول کرد که رجوی «ظاهرا مشتاق هیچ اتحادی نیست. رجوی رویای بزرگی دارد، او فکر میکند قادر است اینکار را تنهایی انجام دهد.»

۱۸ - کنگره حزب دمکرات کردستان ایران: در این میانه، نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در پاریس (کسی که به همراه همکارش در استکهلم باید در ۱۵ فوریه به اروپا باز گردد) گفت که «تقریبا ۲۰۰» نماینده حزب در کنگره که در مقر جدید برگزار شد، شرکت داشتند. قبلا کنگره همیشه دو سال یکبار بود اما اینبار بعلت مشکلات ناشی از سفر نمایندگان در کردستان ایران در کنار مرز، کنگره آینده سه سال دیگر برگزار میشود. قاسملو به تکرار بر طبیعت دمکراتیک حزب و سیاستش تاکید میکرد (و مشخص کرد که دمکراتیک به مفهوم غربی و نه شرقی آن) قبول کرد که حریفی برای مقام دبیرکلی حزب ندارد. رئیس گروه از او پرسید آیا حزب نماینده ای از آمریکا داشت و او جواب داد دفعه قبل بله اما اینبار نه.

۱۹ - کومله: سفیر سوئد بهت و حیرت خود را نشان داد از اینکه او دو هفته پیش به یک کرد ایرانی برجسته، شیخ عزالدین حسینی ویزای توریستی برای ورود به سوئد داده بود و در حال حاضر او تقاضای پناهندگی کرده است. درخواست ویزا از طرف دامادش بنام شمسی نماینده کومله (گروه کوچک مارکسیست کرد ایرانی) در بغداد صورت گرفته بود. قاسملو اهمیت مذهبی شیخ عزالدین و کومله را کم کرد.

۲۰ - زندگی نامه: قاسملو در سال ۱۹۳۰ متولد شد. تحصیلات اولیه خود را در ارومیه انجام داد. اما او همچنین کالج آمریکایی در تهران تحصیل کرد. او در پاریس به دانشگاه رفت، ولی از ایران بخاطر فعالیت های انقلاب اخراج شد. او برنده یک بورس تحصیلی از دانشگاه پراگ شد و بمدت بیست سال استاد اقتصاد در پراگ بود. او در سال ۱۹۶۸ هنگامی که روس ها پراگ را اشغال کردند آنجا را ترک کرد. روشن و خاموش در طول سالهای ۱۹۷۰ او به عنوان اقتصاددان در وزارت برنامه ریزی در بغداد خدمت کرد. او ادعا می کند در طی آن مدت او طرح مهم اقتصادی کلان برای عراق می نوشت. قد متوسط و بلند و باریک با موهای سفید شده، اما او با سرعت و چابکی یک مرد جوان حرکت می کند. او خوب حکایت میکند و مکالمه خود را دائم طنز نمکی میکند.

توجه نیوتن: OC / T حذف : پاراگراف ۲۰ خط ۴. اصلاح به دنبال.

ترجمه از مریم سیف-

لینک ویکیلیکس:

۸۵۵BAGHDAD^^http://www.cablegatesearch.net/cable.php?id=

۸۵۵BAGHDAD^^Cable reference id: #

“All of them, those in power, and those who want the power, would pamper us, if we agreed to overlook their crookedness by wilfully restricting our activities.” — “Refus Global”, Paul-Émile Borduas

Full-text search • Private cart • Browse tags • Overview • History • Media • Crowdsourcing Central • WL Central • The magic of WikiLeaks: telling it like it is • PFC Bradley Manning, Conscience & Agency • Manning’s alleged chat logs diff • WikiLeaks and a Truth Revolution

Reference id

? \^aka Wikileaks id #

Subject

Views Of Iranian Kurdish Leader Qassem Lu

Origin

Embassy Baghdad (Iraq)

Cable time

UTC \:24 \988 Feb \9Tue,

Classification

CONFIDENTIAL

Source

.html^BAGHDAD^/02/\988http://wikileaks.org/cable/

History

UTC (original)23:24 2011 Sep \First published on Thu,
UTC (diff from original)13:29 2011 Sep ^Modified on Thu,

Media

INFO GULF WAR 9329 FM AMEMBASSY BAGHDAD TO SECSTATE WASHDC ^AZ FEB \91124R
AMEMBASSY STOCKHOLM028 DIA WASHDC 085 USCINCCENT MACDILL AFB FL 0250 COLLECTIVE

C O R R E C T E D C O P Y 085 BAGHDAD 05 OF 01Hide header C O N F I D E N T I A L SECTION
: DECL: OADR TAGS: PGOV [Internal \2359, LAST THREE SENTENCES] E.O. 3(PARAGRAPH
Governmental Affairs), MOPS [Military Operations], PHUM [Human Rights], PTER [Terrorists and
Terrorism], PINR [Intelligence], IZ [Iraq], IR [Iran] SUBJECT: VIEWS OF IRANIAN KURDISH LEADER
. SUMMARY: COMING DOWN OUT OF THE 2. CONFIDENTIAL – ENTIRE TEXT. ¶\QASSEMLU ¶
MOUNTAINS FOR ONE OF HIS OCCASIONAL TRIPS TO BAGHDAD, IRANIAN KURDISH LEADER
. QASSEMLU ADMITTED THAT INTENSE SHELLING IN THE \0QASSEMLU MET SADDAM FEBRUARY
AREA OF HIS FORMER HEADQUAR- TERS (DOWNRIVER FROM THE EMBATTLED TOWN OF MAWAT)
\0-12000 KILOMETERS NORTH. HE CLAIMED TO HAVE 3HAD FORCED HIM RECENTLY TO MOVE
ACTIVE FIGHTERS AND THE CAPABILITY TO CALL ON MANY MORE AND TO HAVE AMPLE ARMS

(CAPTURED FROM IRANIANS) AND MONEY (THROUGH SMUGGLING). HE MADE AN APPEAL FOR U.S. «MORAL AND POLITICAL SUPPORT,» NOTING THAT HIS PARTY HAS ALWAYS STRONGLY DISAPPROVED OF HOSTAGE-TAKING. THE ITALIAN AMBASSADOR HAS APPROACHED HIM ON BEHALF OF KIDNAPPEES HELD BY TALABANI AND HE IS HOPEFUL THAT HE WILL BE ABLE TO GET THEM FREED. . QASSEMLU DESCRIBED HIS RELATIONS WITH TALABANI AS GOOD, ALTHOUGH HIS POLICY OF STRICT NEUTRALITY BETWEEN TALABANI AND THE IRAQIS SOMETIMES CAUSES FRICTION. QASSEMLU RECOGNIZED THE NEED FOR AN ALLIANCE WITH OTHER IRANIAN OPPOSITION GROUPS, BUT RAJAVI—WHOM HE DESCRIBED AS AN «AMATEUR»—SEEMS UNWILLING. RAJAVI'S LIMITED MILITARY ACTIONS IN THE NORTH COMPLICATED QASSEMLU'S RELATIONS WITH TALABANI, AND RAJAVI WILL NOW MOVE HIS EFFORTS SOUTH. UNLIKE RAJAVI, QASSEMLU AVOIDS EVER BEING PHOTOGRAPHED WITH SADDAM. QASSEMLU DESCRIBED THE SITUATION IN IRANIAN KURDISTAN AS STABLE, WHILE THE SITUATION IN IRAQI KURDISTAN HAS «SHARPLY DETERIORATED» (I.E., FROM THE STANDPOINT OF THE CENTRAL AUTHORITY IN BAGHDAD) DURING THE PAST THREE YEARS. THE IRAQI VILLAGE DESTRUCTION CAMPAIGN HAS NOT YET BEEN MIRRORED ON A LARGE SCALE IN IRAN. END CONGRESS OF THE DEMOCRATIC PARTY OF KURDISTAN OF IRAN (KDPI), SECRETARY GENERAL A.R. QASSEMLU (WHO SPELLS HIS NAME . GHASSEMLU) CAME DOWN FROM THE MOUNTAINS TO MEET SADDAM HUSSEIN FEBRUARY BECAUSE OF LARGE NUMBERS OF IRANIAN KURDS IN SWEDEN AND FRANCE, QASSEMLU TYPICALLY CONTACTS THE SWEDISH AND FRENCH AMBASSADORS WHEN HE MAKES TRIPS TO BAGHDAD, EVERY FIVE TO SEVEN MONTHS. POLCHIEF LOBBIED SWEDISH AMBASSADOR THOREN FOR A MEETING . QASSEMLU CAME WITH QASSEMLU AND WAS INVITED TO A SIX-HOUR LUNCH FEBRUARY ACROSS AS EXTREMELY OPEN, SOPHISTICATED, AND ARTICULATE, EVEN IN ENGLISH WHICH IS ONLY HIS SIXTH-BEST LANGUAGE (AFTER KURDISH, PERSIAN, ARABIC, FRENCH, AND CZECH). HE WAS ACCOMPANIED BY THE DIRECTORS OF THE KDPI'S PARIS, STOCKHOLM, AND BAGHDAD OFFICES (ABDULLAH GHEDERI, EBRAHIM DJEURABESKA, AND SALAM AZIZI). ————— APPEAL . QASSEMLU MADE A STRONG APPEAL FOR MORAL SUPPORT ————— AMERICAN «MORAL AND POLITICAL SUPPORT.» HE OBSERVED THAT THE KDPI HAS ALWAYS HAD A POLICY OF STRONGLY OBJECTING TO TERRORISM AND HOSTAGE-TAKING, AND HE PROVIDED POLCHIEF WITH A PAPER HE HAD RECENTLY PRESENTED (THROUGH HIS REPRESENTATIVE) AT A PARIS SYMPOSIUM ON TERRORISM, IN WHICH HE OBJECTED TO TERRORISM AS A TOOL FOR REVOLUTIONARY LIBERATION GROUPS. HE CLAIMED TO BE PERPLEXED THAT THE PRESIDENT OF THE UNITED STATES HAS RECEIVED «A RAGTAG BUNCH OF BACKWARD AFGHAN FUNDAMENTALISTS» AND PERSISTS IN TRYING TO BOLSTER «NONVIABLE NICARAGUAN GROUPS,» WHILE NOT AFFORDING ATTENTION TO «TRUE DEMOCRATIC GROUPS» WHO ARE FIGHTING FOR «UNIVERSALLY RECOGNIZED . POLCHIEF OBSERVED THAT THERE IS PUBLIC SYMPATHY FOR THE KURDISH HUMAN RIGHTS.» SITUATION IN THE UNITED STATES BUT NOT VERY MUCH IS KNOWN ABOUT IT; QASSEMLU MIGHT DO WELL TO CULTIVATE JOURNALISTS. QASSEMLU SAID THAT ONE OF THE THINGS HE HAD DONE WHILE IN BAGHDAD THIS TIME WAS TO PUSH THROUGH A VISA FOR THE WASHINGTON POST'S JONATHAN RANDAL (PARIS), WHO HE SAID IS WRITING A BOOK ABOUT KURDS AND TO WHOM HE HAS GIVEN FOURTEEN HOURS OF INTERVIEW. QASSEMLU LAMENTED THAT «THE SOVIETS ALWAYS TEND TO SEE THE KDPI AS SUPPORTED BY THE AMERICANS AND THE AMERICANS ALWAYS SUSPECT THE SOVIETS» WHILE IN FACT THE KDPI HAS NO FRIENDS. «OUR ONLY FRIENDS ARE THE . QASSEMLU MOUNTAINS.» ————— ITALIAN HOSTAGES ————— ACKNOWLEDGED THAT HE HAD JUST MET ITALIAN AMBASSADOR TOSCANO AND GIVEN HIM A PLEDGE TO DO WHAT HE COULD ABOUT THE THREE ITALIAN KIDNAPPEES BEING HELD BY TALABANI'S PATRIOTIC UNION OF KURDISTAN (PUK). HE NOTED THAT HE HAD INTERVENED OCCASIONALLY IN THE PAST, HAD BEEN SUCCESSFUL IN INFLUENCING TALABANI TO RELEASE HOSTAGES, AND HE «HAD EVERY CONFIDENCE» THAT HE WOULD BE SUCCESSFUL AGAIN. (HE GAVE THE IMPRESSION THAT THIS WAS THE FIRST TIME THAT THE ITALIANS HAD APPROACHED HIM AND THUS HE HAD NOT PREVIOUSLY MADE ANY EFFORTS ON THE CIVILIAN'S BEHALF.) QASSEMLU BETRAYED A TRACE OF ANNOYANCE THAT OTHER GROUPS' WILLINGNESS TO RESORT TO TERRORISM HAD GAINED THEM GREATER ATTENTION THAN THAT GIVEN THE KDPI, EVEN THOUGH THE KDPI, HE

CLAIMED, IS A «MUCH MORE FIRMLY AND WIDELY BASED ORGANIZATION.» ————— KDPI
ACTIVE ١٠٠٠٠٠٠. QASSEMLU SAID THAT HE HAS A BASE OF SUPPORT ————— ¶
FIGHTERS AND «CANNOT HANDLE» ANY MORE THAN THAT FOR LOGISTICAL JEXNSJM WHENEVER HE
NEEDS, HE CAN CALL UP «SEVERAL MULTIPLES» OF THAT FIGURE. HE CLAIMED THAT HE HAS NO
PERCENT ARE BEHIND ME») AND A REAL COMPETITION FOR INFLUENCE AMONG IRANIAN KURDS («
HE SCOFFED AT THE SITUATION IN IRAQ: «THERE IS NOTHING SIMILAR IN IRAN TO A (KURDISH) TAHA
MA'RUF AS VICE PRESIDENT» OR THE KURDS THAT HOLD MINISTRIES HERE. THERE IS NOTHING LIKE
THE HUGE NUMBERS OF 'JAHASH'» (THE PEJORATIVE TERM FOR THE KURDISH TRIBAL FORCES HELD
IN HIS BY VHENIRAI (#) —AND THUS BECOME SOMETHING EQUIVALENT TO THE «JAHASH.»). ¶
APPEAL FOR AMERICAN «MORAL AND POLITICAL SUPPORT,» QASSEMLU STRESSED THAT HE WAS
NOT CALLING FOR MONEY OR ARMS. «OF COURSE ONE ALWAYS LIKES MORE, BUT WE HAVE
PLENTY.» HE CLAIMED THAT THE KDPI HAS, OVER THE YEARS, BEEN ABLE TO CAPTURE AMPLE ARMS
FROM THE IRANIAN ARMY/PASDARAN. HE WAS RELUCTANT TO GO INTO HIS FINANCIAL SOURCES,
CLAIMING ONLY THAT «EVERY FAMILY IN KURDISTAN MAKES VOLUNTARY CONTRIBUTIONS,» BUT IN
THE COURSE OF CONVERSATION IT BECAME CLEAR THAT BOTH THE KDPI AND PUK SUSTAIN
THEMSELVES IN LARGE PART THROUGH SMUGGLING. QASSEMLU SAID THAT HE «ONLY» CHARGES A
«THREE PERCENT DUTY» ON GOODS PASSING FROM IRAQ INTO IRAN, AS OPPOSED TO «AS MUCH AS
TWENTY PERCENT» LEVIED BY TALABANI. EXAMPLES OF GOODS GOING INTO IRAN INCLUDE
WHISKEY AND VIDEOS AND OF GOODS GOING INTO IRAQ, CARPETS AND PISTACHIOS. FORMERLY TEA
CAME FROM IRAQ AND SUGAR FROM IRAN, BUT LATELY BOTH TEA AND SUGAR HAVE BEEN MOVING
FROM IRAQ INTO IRAN. QASSEMLU SAID THAT HE HAD RECENTLY ASKED TALABANI HOW LONG HE
COULD SURVIVE FINANCIALLY IF HIS MONETARY SOURCES SUDDENLY DRIED UP, AND TALABANI
SAID, «TWO MONTHS,» WHEREAS QASSEMLU CLAIMED HE WOULD HAVE NO DIFFICULTY GOING ON
. QASSEMLU DESCRIBED THE SITUATION IN IRANIAN KURDISTAN AS «FOR «AT LEAST TWO YEARS.» ¶
WHEN THE KDPI LOST ITS CONTROL «STABLE,» I.E., MUCH THE SAME AS IT HAS BEEN SINCE
OVER THE CITIES AND CHANGED FROM CONVENTIONAL WARFARE TO GUERRILLA TACTICS. THE
IRANIANS CONTROL THE CITIES NOW BUT ONLY CONTROL THE MAIN HIGHWAYS FROM EIGHT TO
FIVE; THE KDPI TAKES OVER AT NIGHT. QASSEMLU PROFFERED TO BE «OPTIMISTIC» ABOUT THE
FUTURE, SINCE HIS SUPPORT IN IRANIAN KURDISTAN IS «ROCK-SOLID.» HE SAID THAT HE
YEARS, BUT IF KHOMEINI DIES SOON «IS PREPARED TO HOLD OUT IN THE MOUNTAINS FOR
«THERE MAY BE CONSIDERABLE TURMOIL IN TEHRAN,» AND THE IRANIAN ECONOMY IS «IN A
TAILSPIN.» WHEN ASKED WHETHER HE OR TALABANI AND BARZANI CONTROLLED MORE TERRAIN,
QASSEMLU SAID THAT THREE YEARS AGO HE DID, BUT NOW THE IRAQI KURDS DO. THE REASON, HE
EXPLAINED, IS NOT THAT HE IS DOING WORSE—TO THE CONTRARY HE IS HOLDING HIS OWN—IT IS
RATHER THAT THE SITUATION FOR THE BAGHDAD REGIME IN IRAQI KURDISTAN HAS «DETERIOKA-
TED SO SHARPLY» OVER THE PAST THREE YEARS. (#) CLAIMED TO HAVE BEEN INSTRUMENTAL IN
BRINGING TALABANI AND SADDAM TOGETHER FOR PROLONGED NEGOTIATIONS THREE YEARS AGO,
WHICH BROKE DOWN. ————— COMPELLED TO MOVE HEADQUARTERS ————
. QASSEMLU ADMITTED THAT HE HAD RECENTLY BEEN OBLIGED TO MOVE HIS HEADQUARTERS ———— ¶
HEADQUARTERS. BECAUSE OF INTENSE IRANIAN SHELLING. HIS FORMER HEADQUARTERS—HE
POINTED OUT ON AN UNFORTUNATELY NOT VERY DETAILED MAP—APPEARS TO HAVE BEEN NEAR
E). HE HAD HAD A HOSPITAL ON THE LESSER ZAB RIVER WHERE IT FLOWS INTO IRAQ (APPROXIMATELY
LARGE HOSPITAL TYERE TO WHICH FRENCH DOCTORS CAME EVERY MONTH, AND OFTEN THE KDPI
WAS PUT IN THE ANOMALOUS SITUATION OF HAVING BOTH TALABANI AND IRAQI ARMY
CASUALTIES AT THE HOSPITAL AT THE SAME TIME. THE LOCALS BECAME UNTENABLE BECAUSE THE
IRANIAN ARMY WAS JUST TO THE EAST, THE IRAQI ARMY JUST TO THE WEST, AND TALABANI'S
FORCES BEHIND THE IRAQI ARMY FURTHER TO THE WEST—«EVERYBODY WAS POUNDING
E) SOME THIRTY-FIVE «EVERYBODY.» NOW HE HAS MOVED TO A POINT (APPROXIMATELY
KILOMETERS TO THE NORTH, AGAIN RIGHT ON THE IRANIAN BORDER SO THAT QASSEMLU SPENDS
MUCH OF HIS TIME ON THE IRANIAN SIDE (HE CLAIMS), BUT WHERE THE IRAQI ARMY IS MUCH
FURTHER AWAY TO THE WEST. THUS, HIS HEADQUARTERS NOW APPEARS TO BE IN A KIND OF NO-

MAN'S-LAND WHERE THE KDPI HAS FULL SWAY. HE SAYS HE HAS REBUILT THE HOSPITAL THERE AND . ON FIGHTING AT MAWAT ON THE GOGASUR ١٢ THE FRENCH DOCTORS CONTINUE TO COME. ¶ RIVER JUST TO THE SOUTH OF WHERE HIS FORMER HEADQUARTERS WAS, QASSEMLU SAID THAT THE IRANIAN OBJECTIVE IS TO CLEAR TALABANI'S EAST-WEST ACCESS. TALABANI'S HEADQUARTERS, HE CLAIMED, IS LOCATED SOUTHEAST OF MAWAT (SOMEWHERE VAGUELY IN THE VALLEY OF THE E). ٤٥٤٠ N ٣٥٤٧ SHILIR RIVER WHICH MEETS THE GOGASUR SOUTH OF MAWAT, APPROXIMATELY AT THE IRANIANS CONTROL THE RIDGE OVERLOOKING MAWAT TO THE EAST, THE IRAQIS CONTROL THE HILLS SOUTHWEST OF MAWAT, AND THERE HAS BEEN MUCH FIGHTING THERE AND IN THE MOUNTAIN WEST OF MAWAT WHICH THE IRANIANS PARTIALLY CONTROL. JUST THAT MORNING QASSEMLU RECEIVED A CALL FROM HIS HEADQUARTERS THAT THE IRAQIS HAD JUST LAUNCHED A NEW ATTACK ON THE IRANIAN POSITIONS WEST OF MAWAT. MAWAT ITSELF, «LIKE PANJWIN,» QASSEMLU COMMENTED, IS COMPLETELY ABANDONED. ————— RELATIONS WITH . QASSEMLU CLAIMED TO BE «VERY GOOD FRIENDS» WITH ١٢ TALABANI ————— ¶ TALABANI. RECENTLY HE HAD ASKED TALABANI TO PICK UP SOME CAVIAR FOR HIM FROM THE CASPIAN, AND WHEN TALABANI BROUGHT IT TO HIM HE JOKED THAT HE HAD HAD TO GO THROUGH SPECIAL CHANNELS TO GET MORE CAVIAR THAN IS NOW USUALLY PERMITTED AND IF THE IRANIAN AUTHORITIES HAD KNOWN WHOM IT WAS FOR «THEY WOULD HAVE BEEN APOPLECTIC.» QASSEMLU ADMITTED THAT THERE ARE TIMES WHEN DELICATE ISSUES ARISE. FOR EXAMPLE, IRAQI SOLDIERS, INCLUDING SIX OFFICERS, HAD TAKEN REFUGE WITH THE KDPI AND ٥٢ RECENTLY TALABANI HAD DEMANDED THAT THEY BE HANDED OVER. THE DISPUTE WENT ON FOR TWO WEEKS BUT QASSEMLU WAS ADAMANT THAT THE KDPI MUST REMAIN «ABSOLUTELY NEUTRAL» IN ALL MATTERS BETWEEN IRAQIS AND KURDS, AND HE EVENTU- ALLY HANDED THE SOLDIERS AND OFFICERS BACK TO THE IRAQI ARMY. QASSEMLU, WHO WHILE BEING REMARKABLY OPEN ALSO TENDED TO CHOOSE HIS WORDS CAREFULLY, WAS UNWILL- ING TO BE DRAWN OUT ABOUT HIS RELATIONSHIP WITH MAS'UD BARZANI, BUT HE RIDICULED THE IDEA THAT THE BARZANIS» «KDP» WAS EVER «A REAL PARTY.» «THEY ARE MERELY A TRIBE.» ————— SADDAM IS IN . QASSEMLU WAS UNWILLING TO DISCUSS HIS MEETING ١٢ CHARGE ————— ¶ WLTH SADDAM, INDEED EVEN DIRECTLY TO ADMIT IT TOOK PLACE (ALTHOUGH PRIVATELY TO THE SWEDISH AMBASSADOR HE HAD BEEN MORE CANDID), ALTHOUGH HE DID ALLUDE TO THE PERSIAN SAYING THAT «IF YOU CAN MEET GOD, THERE IS NO POINT IN SETTLING FOR ONE OF THE TWELVE IMAMS.» QASSEMLU SAID THAT, UNLIKE MUJAHEDIN E-KHALQ LEADER RAJAVI, HE HAD «ABSOLUTELY NO DESIRE» TO BE PHOTO- GRAPHED WITH SADDAM OR HAVE ANY PUBLICITY OF HIS TRAVEL TO BAGHDAD, MUCH LESS OF MEETING SADDAM—«IT DOES NOT GO OVER VERY WELL IN IRAN.» POLCHIEF PRESSED HIM ON WHO IN IRAQ IS IN CHARGE OF KURDISH ISSUES, AND QASSEMLU SAID, «SADDAM. HE IS IN CHARGE OF EVERYTHING.» THAT ASIDE, HOWEVER, HE WENT ON TO SAY THAT IN DAY-TO- DAY AFFAIRS, «THERE ARE THREE IMPORTANT PEOPLE IN IRAQ: SADDAM; ‹ADNAN (KHAYRALLAH, MINISTER OF DEFENSE AND FIRST COUSIN AND BGOOTHER-IN-LAW OF SADDAM), WHO IS IN CHARGE OF THE SOUTH; AND ‹ALI HASAN (AL-MAJID, PATER- NAL COUSIN AND LOOK-ALIKE OF RGFITHE NORTH.» HOWEVER, QASSEMLU INDICATED HE DID NOT SEE ٢ | WHO IS IN UHAR · SAWAAV ‹ALI HASAN, HEADQUARTERED IN KIRKUK, VERY OFTEN, APPARENTLY BECAUSE QASSEMLU NEVER SETTLES FOR LESS THAN «GOD.» ————— VILLAGE DESTRUCTION ————— . POLCHIEF ASKED QASSEMLU FOR HIS REACTION TO THE IRAQI CAMPAIGN OF DESTROYING ١٥ ——— ¶ KURDISH VILLAGES. QASSEMLU ACKNOWLEDGED THAT «MOST» VILLAGES HAVE BEEN DESTROYED BUT HE SEEMED UNEMOTIONAL ON THE POINT. POLCHIEF ASKED IF THE CAMPAIGN HAD HAD THE EFFECT OF INCREASING THE NUMBER OF GUERRILLAS AND REFUGEES. HE ANSWERED THAT IT HAD «GREATLY» INCREASED THE NUMBER OF UERRILLAS BUT NEITHER HE NOR TALABANI ENCOURAGED THE IDEA OF REFUGEES INTO THE OTHER'S TERRITORY, BECAUSE OF THE GREAT DIFFICULTY IN FEEDING AND CARING FOR PEOPLE. THE NET EFFECT OF THE IRAQI VILLAGE DES- TRUCTION CAMPAIGN, HE ACKNOWLEDGED, IS THE ALMOST COMPLETE DESTRUCTION OF THE IRAQI KURDS» TRADITIONAL AGRARIAN WAY OF LIFE. KURDISH MEN IN IRAQ HAVE ONLY TWO CHOICES, TO GO TO THE CITIES OR TO STAY: IN NEWLY CONSTRUCTED CENTERS WHERE THE ONLY LIVELIHOOD IS TO BE VILLAGES, OUT ٢٥ «JAHASH.» QASSEMLU SAID THAT THE IRANIANS HAVE SO FAR ONLY DESTROYED

OF OVER SEVEN THOUSAND IN IRANIAN KURDISTAN (AND A CLAIMED KURDISH POPULATION IN IRAN OF SEVEN MILLION), BUT HE COMMENTED, «ALAS, EACH SIDE TENDS TO LEARN BAD HABITS FROM THE OTHER.» ONE BAD HABIT THAT HE CLAIMED THE IRANIANS HAVE (#) IS THE USE OF CHEMICAL WEAPONS. «BOTH SIDES DO IT, ALTHOUGH THE IRAQIS MUCH MORE.» POLCHIEF ASKED WHETHER, GIVEN THE DENUDED NATURE OF MOST OF KURDISTAN, HELICOPTERS AND OTHER AIRBORNE ATTACKS POSE A SERIOUS PROBLEM FOR THE PESHMERGA. QASSEMLU SAID, «NEITHER WE NOR THE IRAQI KURDS ARE WORRIED ABOUT HELICOPTERS. WE CAN TAKE CARE OF THEM. BUT ARTILLERY IS A SERIOUS PROBLEM FOR US. AND CHEMICAL WARFARE IS A PROBLEM TOO.» ————— A . QASSEMLU DID NOT GO OUT OF HIS WAY TO ۱۹ KURD'S VIEW OF IRAQ ————— ¶ CRITICIZE IRAQ, BUT HE COULD NOT RESIST A BARRAGE OF CUTTING REMARKS THAT CLEARLY SHOWED HIS DISDAIN FOR ARABS AND FOR THE IRAQI REGIME. IN PARTICULAR, HE SAID THAT HE VERY MUCH DISLIKED BAGHDAD AND AVOIDED COMING UNLESS ABSOLUTELY NECESSARY. HE GRUDGINGLY ADMITTED THAT IRAN IS A MORE FLUID AND DYNAMIC SOCIETY—«YES, IN URMIA PEOPLE CAN PICK UP THE PHONE TO THE UNITED STATES ANY TIME THEY WANT, AND THEY ARE FREE TO TRAVEL OUT OF THE COUNTRY,» HE SAID WISTFULLY —BUT HE WAS QUICK TO EMPHASIZE THAT THERE IS MUCH LESS INTERFERENCE IN PEOPLE'S PRIVATE MORALS IN IRAQ AND THAT IRAQ STANDS FOR «MORE MODERN IDEAS.» HE HAD DETESTED THE SHAH, «BUT KHOMEINI IS MUCH WORSE.» HE HAD BEEN «LIED TO SHAMELESSLY.» QASSEMLU PROCEEDED ۱۹۷۹ HAD SEEN KHOMEINI TWICE IN TO GIVE A LECTURE ON THE SHI'A PRACTICE OF «TAQIYA» (DECEIT TO SERVE A HIGHER PURPOSE) AS AN INGRAINED PART OF THE SHI'A PERSONALITY; POLCHIEF NOTED THAT WE HAD RECENTLY LEARNED A FEW LESSONS ON THE SUBJECT OURSELVES. ————— RAJAVI ————— . QASSEMLU ACKNOWLEDGED THAT THE KDPI IS IN NEED OF ALLIANCES WITH OTHER IRANIAN ۱۷۹ OPPOSITION GROUPS, SINCE BY ITSELF IT OBVIOUSLY CANNOT OVERTHROW THE REGIME. HE ADMITTED THAT THE REGIME HAS WIDE SUPPORT («HUNDREDS OF THOUSANDS OF MULLAHS WHO ALL SEE THEIR LIVELIHOOD AT STAKE») AND ITS OVERTHROW WILL BE NO EASY MATTER. POLCHIEF ASKED ABOUT A POSSIBLE ALLIANCE WITH RAJAVI WHO, IN ANY CASE, HAS REPORTEDLY BEEN MOUNTING MILITARY ACTIONS IN THE NORTH. QASSEMLU DESCRIBED RAJAVI AS AN «AMATEUR,» FIGHTERS «AT THE MOST» BUT HAS A GOOD PROPAGANDA MACHINE. HE ۱۷۰ WHO HAS ADMITTED THAT RAJAVI «HAD TRIED A FEW ACTIONS IN THE NORTH,» BUT UNLIKE THE KDPI THE MUJAHEDIN E-KHALQ «HAVE NO REAL STRENGTH IN PLACE IN IRAN.» «IN FACT, OF ALL THE OPPOSITION GROUPS,» QASSEMLU CLAIMED, «ONLY MY PARTY HAS SIGNIFICANT STRENGTH INSIDE IRAN.» QASSEMLU SAID THAT RAJAVI'S RECENT ACTIONS IN THE NORTH HAD CAUSED PROBLEMS FOR THE KDPI, BECAUSE IT HAD ON OCCASION ENGAGED TALABANI'S FORCES. QASSEMLU SAID THAT HENCEFORTH RAJAVI WILL NOT BE OPERATING IN THE NORTH BUT HAS NOW SWITCHED TO THE SOUTH. HE ADMITTED THAT RAJAVI «IS APPARENTLY NOT EAGER FOR ANY ALLIANCES.» «RAJAVI HAS VISIONS OF GRANDEUR; HE THINKS HE IS ABLE TO CARRY IT BY HIMSELF.» ————— . IN AN ASIDE, THE KDPI PARIS REPRESENTATIVE (WHO ۱۸ KDPI CONGRESS ————— ¶) SAID THAT ۱۸ WITH HIS COLLEAGUE IN STOCKHOLM WAS TO RETURN TO EUROPE FEBRUARY » PARTY REPRESENTATIVES HAD APPEARED FOR THE CONGRESS, HELD AT THE ۱۷۰ «APPROXIMATELY NEW PARTY HEADQUARTERS. THE CONGRESS HAD ALWAYS PREVIOUSLY BEEN BIENNIAL, BUT BECAUSE OF THE ENORMOUS DIFFICULTIES FACED BY MANY OF THE PARTY MEMBERS IN MAKING THE JOURNEY FROM OUTLYING PARTS OF IRANIAN KURDISTAN OVER THE BORDER TO THE HEADQUARTERS IN IRAQ, IT HAS NOW BEEN DECIDED NOT TO HAVE THE NEXT CONGRESS FOR THREE YEARS. QASSEMLU, WHILE REPEATEDLY STRESSING THE DEMOCRATIC NATURE OF HIS PARTY AND ITS POLICIES (AND HE CLARIFIED THAT HE MEANT «DEMOCRATIC» IN THE WESTERN RATHER THAN EASTERN SENSE), ADMITTED THAT HE HAD HAD NO OPPONENT FOR POSITION OF SECRETARY GENERAL. POLCHIEF ASKED WHETHER ANY KDPI REPRESENTATIVES FROM THE U.S. HAD PARTICIPATED, AND THE REPLY WAS THAT WHILE ONE HAD ATTENDED THE PREVIOUS CONGRESS, . THE ۱۹ NONE CAME THIS TIME. ————— KOMALA ————— ¶ SWEDISH AMBASSADOR DISPLAYED CONSTERNATION THAT TWO WEEKS AGO HE HAD GIVEN A PROMINENT IRANIAN KURDISH FIGURE, SHAYH IZZ AL-DIN HUSAYNI, A TOURIST VISA TO SWEDEN, AND NOW HE IS ASKING FOR ASYLUM. THE VISA HAD BEEN REQUESTED ON HIS BEHALF BY HIS SON-

IN-LAW, NAMED CHAMSI, THE BAGHDAD REPRESENTATIVE OF KOMALA (SMALL MARXIST IRANIAN KURDISH GROUP). QASSDMLU DISCOUNTED SHAYKH HUSAYNI'S RELIGIOUS IMPORTANCE AND THE IMPORTANCE OF KOMALA. ————— BIOGRAPHICS ————— ¶
HIS EARLY EDUCATION WAS IN URMIA BUT HE ALSO ۱۹۳۰ QASSEMLU (GHASSEMLOU) WAS BORN IN ATTENDED THE AMERICAN COLLEGE IN TEHRAN. HE WENT TO UNIVERSITY IN PARIS BUT WAS EXPELLED FROM IRAN (#) REVOLUTIONARY ACTIVITIES. HE WON A SCHOLARSHIP AT THE UNIVERSITY IN PRAGUE, AND HE WAS AN ECONOMICS PROFESSOR IN PRAGUE FOR TWENTY YEARS. HE S HE SERVED ۱۹۷۰. OFF AND ON DURING THE ۱۹۶۸ DEPARTED WHEN THE SOVIETS MARCHED IN IN AS AN ECONOMIST IN THE MINISTRY OF PLANNING IN BAGHDAD, DURING WHICH HE AUTHORED A MAJOR OVERALL ECONOMIC PLAN FOR IRAQ, HE CLAIMS. OF MEDIUM HEIGHT AND SLENDER BUILD, HIS HAIR IS GRAYING BUT HE MOVES WITH THE QUICKNESS AND AGILITY OF A YOUNGER MAN. HE TELLS A GOOD ANECDOTE AND PEPPERS HIS CONVERSATION WITH CONSTANT HUMOR. NEWTON . CORRECTION TO FOLLOW. LINE ۲۰ NOTE BY OC/T: (#): OMISSION: PARA

به اشتراک گذاری این:

Twitter فیسبوک